

## در جستجوی آرامش از دست رفته



با خالق هستی نوشتہ:

جی بی واسوانی ترجمہ:

فریبا مقدم

انتشارات: حمیدآ

۱۱۲صفحه

دادا جی.بی.واسوانی از آموزگاران بلندپایه

مرکز سادو واسوانی

در هندوستان است که شعبات گوناگونی در شهرهای هندوستان و کشورهای مختلف جهان دارد.

«با خالق هستی» از کتابهایی است که «جی.بی.واسوانی» بدون نگاه کردن به دین و مذهبی خاص، اصول و روشهای جامع و درست را برای برقراری ارتباط با خدا و جهان هستی به ما معرفی می کند و قوانینی را بازگو می کند تا زندگی بهتر و زیباتری داشته باشیم. ما در این کتاب می آموزیم که آرامش از دست رفته و تشویش ذهنی بوجود آمده در زندگی روزمره تنها با ارتباط باخدای بزرگ و خالق هستی امکانپذیر است و کسی که به غیر از این روی می آورد در نهایت به پوچی می رسد.

کتاب با ترجمه‌ای روان و مفاهیمی صمیمی، به ما کمک می کند که ارتباطی درست، ساده، خالصانه و به دور از تکلف با خداوند داشته باشیم.

متن زیر برگرفته از کتاب است:

دعا بزرگترین پناه در برابر نگرانی و تشویش است. ما چقدر نیروهایمان را به نگران شدن درباره چیزهایی که برایمان اتفاق نیفتاده، یا ممکن است در آینده اتفاق بیفتند، هدر می دهیم؟ هر نگرانی، فشاری بر سلسله اعصاب ماست.

هر چه بیشتر نگران شویم، فشار بیشتری به اعصابمان وارد می آید و آسایش و آرامش ذهن و قلبمان تحلیل می رود. به این ترتیب هر مسأله کوچکی می تواند به راحتی ما را آشفته و هیجان زده کند. بی دلیل سیزی می کنیم و کسانی را که برایمان عزیز و نزدیک هستند، از خود می رنجانیم.

اما بیایید به جای نگران شدن، روی کردن به خدا (به صورت دعا کردن) را بیاموزیم و همه بارهایمان را در پای او قرار دهیم. با این کاری درنگ احساس آسایش خاطر و آرامش می کنیم و قادر می شویم با روحیه تسلیم و آرامش و در نهایت قدرت با مشکلات و پیچیدگیهای زندگی برخورد کنیم. کسی که دعا می کند، وقتی می بیند مردان و زنان بارهای گران را بر شانه های ضعیف خود حمل می کنند متعجب می شود، زیرا آنها می توانند این بارها را در پای خدا قرار دهند که به تنهایی می تواند تمام بارهای جهان هستی را تاپ آورد.

از بطن دعا، در درون و بیرون ما آرامش به وجود می آید. کسی که دعا می کند با همه و در همه مواقع در آرامش است؛ زیرا قلبش برای همیشه در آن یگانه، آن خدای واحد، لنگر انداخته است. ما که ذهن هایمان چون کشتیهای طوفان زده یی قرار است، هرگز با هیچکس و در هیچ جا احساس امنیت نمی کنیم. راه ما راه مقاومت است. ماعلیه دیگران و شرایط زندگی مبارزه می کنیم. از دیگران عیب جویی می کنیم. ما نیازمند تحولی درونی هستیم و این تحول فقط از طریق ارتباط با خدا تحقق یی پذیرد.

کسی که دعا می کند، در صحنه های متغیر زندگی در آرامش است. برای او همه کارها مقدس است و فرقی میان کار «برتر» و «پست تر» نمی گذارد. او می داند که نوع کار ما مهم نیست، بلکه چگونه انجام دادن آن اهمیت دارد. کار او هر اندازه هم ملال انگیز باشد، آن را به صورت پیشکش عشقی به خدا درمی آورد. چنین کسی چه در کارخانه ای پر سر و صدا کار کند و چه در مزرعه ای ساکت و آرام؛ در هر حال آرامش او بر آشفته نمی شود. او می تواند در خلوت یک معبد یا بر سنگفرش خیابانی شلوغ دعا کند، اما آرامش درونش بر هم نمی خورد. او کانون خود را در خدا یافته است؛ در همه وقایع و در حضور انواع مردم در آرامش و آسایش است. هر جا که می رود خدا را در درون با خود می برد. عشقی که در قلب اوست در همه جا و همه کس منعکس می شود و به هر جا که نگاه می کند، جمال عشق و سیمای معبود را می بیند. چنین فردی به تنهایی، سیمای خدا را در همه انسانها و مخلوقات مشاهده می کند و به آرامش می رسد. مطالعه این کتاب را به تمام کسانی که در جستجوی آرامش درون هستند توصیه می کنیم.

\*\*\*\*\*

شما خواننده ی فریخته نیز اگر کتاب مفیدی خوانده اید، می توانید آن را در این ستون به دیگران معرفی کنید. در صورت تمایل به معرفی کتاب، با شماره های ۰۹۰۳ ۵۳۸۳ و ۱۸۰۸ ۰۹۱۷ تماس بگیرید.

<b>طلایی می شود برای کسانی که غصه دارند</b>	<b>دیر می گذرد برای کسانی که منتظر هستند</b>
<b>کوتاه می شود برای کسانی که شاد هستند</b>	<b>زود می گذرد برای کسانی که عجله دارند</b>
<b>اما ابدی می شود برای کسانی که عاشق هستند</b>	<b>همیشه</b>

## عصر نرین

## ۱۰ فرهنگ

*www.asreneyriz.ir*  
*asr\_neyriz@yahoo.com*  
چهارشنبه ۱۱ شهریورماه ۱۳۹۴  
2. September. 2015  
شماره ۶۱۲

## برخی از آثار زین العابدین خان حاکم نی ریز مشکبیر



در سال ۱۲۶۹ در حمام نی ریز، مرد دلاکی که مشغول خدمت او بود با تیغ دلاکی شکم او را درید، چون دلاک را گرفتند معلوم گردید که این دلاک با جماعتی دیگر

در مذهب میرزا علیمحمد باب بود، پس دلاک بدبخت را بکشند. بعد از دو روز حاجی زین العابدین خان به رحمت ایزدی پیوست…»

بخشی از خیابان امام خمینی<sup>(به)</sup> از آن گذشته و گاراژ اتومبهن به جای آن بنا گردیده.

۷-احداث قلعه سیف آباد. البته دو قلعه کنار هم قرار داشته که می گویند آن را که در سمت شمال بنام قلعه سیف آباد قدیم است، «سیف الدوله» نامی ساخته و آن را که در بخش جنوب است و قلعه سیف آباد نو نام دارد، حاج زین العابدین خان ساخته است.

«…کثیرالانوار عمده الشهداء والازکیاء المشترعین وزیده الصلحاء والعرفاء والمتمتین والمجاهدین خواجه احمد انصاری علیه الرحمه والغفران من الله الباری مشهور به علمدار حضرت رسالت پناهی صلوات الله و سلامه علیه وعلی الی اجمعین الی یوم الدین»

۵- احداث کاروانسرا در محله چنارسوخته (پهلوی سابق، امام مهدی<sup>(عج)</sup> کنونی).

۶- نقل است که کاروانسرا کنیه نیز به همت حاج زین العابدین خان ساخته شده است. این کاروانسرا در بازار ساخته شده بود. اکنون

محمدعلی پشاهنگ | در شماره پیش عضو شورای نویسندگان بخش نخست این

نوشتر که به زندگی

حاج زین العابدین خان حاکم نی ریز و چگونگی مرگ او اشاره داشت، پرداختیم.

در ادامه آثاری را که از او به یادگار مانده، مرور می کنیم:

۱- احداث مدرسه علمیه ملاعبدالله در سال ۱۲۶۳ مهشیدی در محله چنارشاهی (حوزه علمیه مهدی<sup>(عج)</sup> کنونی). خان برای اداره این مدرسه املاکی از روستای نصیر آباد و چندین فیمان از آب قانه‌های آبادزردشت و خیار را وقف کرد. یک نسخه از کپی وقف‌نامه نزد صاحب این سطر است و اصل آن نزد آیت… حاج سید محمد فقیه امام جمعه محترم می باشد.

۲- آب‌انبار شیر در میدان بازار که در حال حاضر تخریب شده و جای آن ساختمان بانک تجارت نی ریز ساخته شده است.

## چند دقیقه آشنایی با امام موسی صدر



کدام عالم مسلمان از محرومیت ارمنی هاشکایت کرده است؟ اگر ما احساس صادقانه وطن دوستی نداشته باشیم، وطن با ما بیگانه می گردد و ما نیز در وطن خود غریب می شویم. چرادر افکارمان از دین مَرکبی برای مصالح خود می سازیم؟ اندیشه و نگرش ما باید متحول شود.

- امام موسی صدر در جمع اهالی مطبوعات لبنان : آزادی خدمتی است به روزنامه نگار تا کار خود را به انجام رساند و خدمتی است به جامعه تا همه چیز را بداند!
صیانت از آزادی

ممکن نیست مگر با آزادی. آزادی، برخلاف آنچه می گویند، هرگز محدودشدنی و پایان یافتنی نیست. در حقیقت، آزادی کامل عین حق است؛ حقی است از جانب خدا که حدی بر آن نیست.

-باید درک کنی که خیر کامل در این نیست که خود را از غرق شدن نجات دهی و از لذت ها و آسایش و ثروت و دانش بهرمنند باشی. این انسانی نیست که خداوند دوست دارد. خداوند از ما می خواهد که نسبت به یکدیگر همچون اعضای یک پیکر باشیم.

- می گفت: چیزی که باید به آن بیندیشیم این است که چگونه می توانیم جامعه‌ای قهرمان بسازیم. دوره مردان قهرمان گذشته است و باید از فرد قهرمان به جامعه قهرمان برسیم.

- می گفت: سرانجام ستم در برابر اکثریت شکست می خورد و ستمکار نیز در هم می شکند…

- او امام جوانان، امام پیران، امام ادیان، امام عاشقان، امام عقلا، و در یک کلام امام مهربانی و دوستی بود…

#### آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه عملیات تحدیدی شش‌دانگ یک باب خانه ۳۵۵۳/۷۵ واقع درنی ریز قطعه ۴بخش ۲۲ فارس شهرستان نی ریز ملکی آقای محمدرضا طاطی فرزند ابراهیم باید تحدید شود و برحسب تقاضای مالک که درخواست انتشار آگهی تحدید حدود اختصاصی نموده وقت تحدید حدود روز سه شنبه مورخ ۹۴/۰۶/۳۰ تعیین و عملیات تحدید حدود از ساعت ۸صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد.لذا از متقاضی و کلیه مجاورین طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می گردد که در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند. وخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارفتاقی به استناد ماده ۲۰قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود به مدت ۳۰روز پذیرفته خواهد شد. ضمناً معترض از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت یک ماه فرصت خواهد داشت که دادخواست خود را به داد‌گاه صالح تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به اداره ثبت ارائه نماید در غیر این صورت سند مالکیت برابر مقررات صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۹۴/۰۶/۱۱

مصطفی علیخانی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نی ریز

مسلمان چندین مدرسه ساخت! چندین فرهنگسرا ساخت! چندین بیمارستان و درمانگاه و … چنانچه در بسیاری از شهرها و روستاها چهره فقر و نکدی گری از آنجا رخت بردست!

- شعر می گفت و می نوشت. قصه های نویسنده های مطرح زمان را به عربی ترجمه می کرد. یکیش سوشون سیمین دانشورا!

- ساعتها با ماشین اش به نقاط مختلف سفر می کرد تا از نزدیک با مردم و مشکلاتشان آشنا شود.

- می گفت: خصلت ما روحانیون این بوده و همیشه منتظر آن بوده ایم که در جایی بنشینیم و مردم به سراغ ما بیایند و دست ما را ببوسند. اما من اینگونه نیستم. خودم بسوی مردم می روم و از هیچ چیز ایایی ندارم. من باید راه نیمه تمام جمال‌الدین اسدآبادی را کامل کنم.

- می گفت: جوان امروز را نمی توان با اندیشه و عاطفه دینی آشنا کرد بدون اینکه از فلسفه، هنر، عشق و عرفان بهره گرفت! - می گفت: چگونه ما شیعیان پیرو علی هستیم ولی از نظر علمی و اخلاقی و پاکیزگی به سفارشات علی عمل نمی کنیم.

- چند بار از وی خواستند وارد سیاست شود. ولی وی نپذیرفت و جایگاه خود را در جایی دیگر جست و جوی کرد.

- دوست نداشت کسی با کسی، فرقه‌ای با فرقه‌ای دیگر در جنگ باشد. در دوره‌ای که نصیحت‌ها و پا در میانی‌اش برای صلح فایده نکرده دست به اعتصاب غذا زد. شیعه و سنی و یهودی و مسیحی به احترامش دست از اختلاف کشیدند.

- همسر امام موسی می گوید: یکبار ندیدم موسی به فرزندانش بگوید نمازتان را خوانده‌اید؟ هیچ وقت با بچه ها دعوا نمی کرد.

- خیر رسید که جوانی شیعه دختر مسیحی را کشته است و خانواده آن دختر گروهی از فلسطینی‌ها را گروگان گرفته‌اند تا قائلش را برایشان ببریم. امام با واسطه‌ای برای آنها پیغام می فرستد که آنها را آزاد کنید ما قاتل را دستگیر می کنیم. آنها تا خبر وساطت امام ارامی شوند سریعاً آنها را آزادی کنند.

امام با دسته گلی به مزار دختر می رود. پدر و مادر دختر به امام می گویند: مولانا! ما خون دخترمان را به تو بخشیدیم. هر گونه که میدانی با قائلش برخورد کن. فقط از خدا بخواه عیسی مسیح ما را مورد عنایت خودش قرار دهد…

- امام به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه مسلط بود.

- امام در یکی از انتخابات‌های لبنان از یک مسیحی حمایت کرد. وی متعجب نزد امام آمد و گفت: من مسیحی هستم و شما شیعه! امام گفت: من به عملکرد شما کار دارم نه به دینتان.

- امام مشاور فیلم محمد رسول‌الله و رفیق دیرینه مصطفی عقاد بوده است. عقاد از او خواست بازی کند وی قبول نکرد.

توجه

از این پس آگهی‌های تجاری نیز در صفحه نیازمندی‌ها چاپ می‌شود.

## روسیاهم مساز

تیمور خلیق…!

مرا نامه نگشاده دوزخ برید

به میزان حق کار من مَسْپَرید

نهان از خلاقیت حسابم رسید

ز زیر راه در دوزخم افکنید

که من آیه اِفْرَاقُ خوانده‌ام

به وجدان آگاه سنجیده‌ام

که از من کسی زشت کرد ار تر

به تاریخ گیتی نیابید در

همه عمر آلوده دامن بدم

سراپا فساد مُبرهن بدم

دلَم توده‌ای از پلیدی بُدی

وجودم نهی از سپیدی بُدی

مرا طی نشد یک نفس بی گناه

خدا یا سیه کارم و روسیاه

نخواهم خدایا که بخشایی ام

مزن بر ملاء کوس رسوایی ام

مکن پیش خلقان مرا شرمسار

ترا زوی عدلت میا ور به کار

به دوزخ فرستم مکن نامه باز

تودانی و من روسیاهم مساز

-در شماره ۴۷ تی ریزان فارس شعر جناب آقای خلق الله به اشتباه به نام آقای احمد بهجت چاپ شد که بوزش می خواهیم.